قاعده انطباق قهری و صغرای اجزاء صوم ندب از فریضه

شاگرد۲: چرا امام این استدلال را کردند؟ مفاد آن شرعی نیست اما استفاده کردن از آن بهعنوان دلیل، شرعی است. چون میتوانستند آن را نیاورند.

استاد: ببینید نکته خوبی است. او اگر اشکال نکرده بود که حضرت نمیآوردند.

شاگرد۲: منظورم بیان کردن نیست. یعنی آیا این قاعده کلی است که هر کجا این صادق بود، مجزی است؟ تطوع که نیست ولی اینکه تطوع نیست چه دخلی به این دارد که این روزه قبول است؟ شاید تطوع نباشد و تو هم روزه فرض گرفتهای ولی باید قضاء بکنی.

شاگرد: منظورشان این است که در اینجا تطوع نیست. اما آیا شارع در مقام مدیریت امتثال می توانست بگوید من فردی را میخواهم که تو بعینه ماه رمضان را نیت کرده باشی؟ اینکه اصالً ریختش تعبدی است و شارع باید این را بگوید.

استاد: ببینید من همین را عرض کردم. روایت زهری با قسمت اول روایت سماعه یکی هستند. «وفق»، «وقع» دارند. حضرت جواب این بخش را با تفضل میدهند. یعنی میگویند شارع می توانست این کار را بکند اما چرا نکرد؟ چون بتفضل منه، هلک الناس. این دو روایت بهوضوح مکمل هم هستند. بخشی از آنها با هم همراه هستند.

شاگرد۲: اتفاقا نمیشود که روایت زهری تعبد باشد.

استاد: من با ذهن شما موافق هستم. شوخی من نسبت به ذهنهایی که مقابل آن را میگیرد، این است: وقتی من بعضی از عبارات را میبینم میخواهم همینطور خودم را بزنم! این عبارت به این روشنی اما چرا شما به این صورت معنا میکنید؟! ولی در مباحثه نمیشود این کار را کرد. وقتی ما خودمان را میزنیم آنها خوشحال میشوند! از چیزهایی که در مباحثه باید فرهنگش وربیفتد این است که در مباحثه میگویند خصم. واقعش این است که در فضای بحث چرا خصم میگویند؟! للخصم ان یدعی... . اینجا که مخاصمه نیست.

شاگرد: روایت زهری در این مقام نیست که بگوید روزه از واجبهایی است که انطباق قهری در آن قبول است؟

استاد: بله، بلکه در مقام استدلالی است که شما میتوانید با ضوابطی، جای روزه و ماه مبارک، x و y بگذارید.

شاگرد: به حسب مورد به این صورت است.

استاد: من حرفی ندارم. اما شاید این روزه، صغری برای یک کبری است. یعنی انطباق قهری، مجزی است علی القاعده. لذا حاج آقا رضا فرمودند «علی القاعده». خیلی جمله خوبی داشتند. علی القاعده است الا درجایی‌که دلیل خاص داریم که اینجا نمی‌شود. مواردی داریم که ریخت حکم و موضوع می‌گوید که انطباق قهری کافی نیست. چرا؟ به‌خاطر مورد. و الا حضرت می‌گویند طبق قاعده در امتثال انطباق قهری کافی است.

شاگرد: مثلاً دو دقیقه به طلوع آفتاب نافله صبح خوانده است.

استاد: اینها بحث‌های خیلی خوبی است. مرحوم سید در بحث «انما هی اربع مکان اربع»، در عروه فتوا داده‌اند. آقای حکیم که به اینجا می‌رسند می‌فرمایند روایت صحیحه است و سید هم فتوا داده‌اند. اگر قرار باشد که ما در فقه به این صورت جلو برویم، لازم منه فقه جدید. ما همان جا مفصل بحث کردیم که لازمه آن فقه جدید هست ای نه. سید چرا به این صورت گفتند؟ مفاد حدیث چیست. این بحث هم بحث خوبی است. یعنی ما نمی‌گوییم به جای نماز صبح، نافله فجر بخوان اما حالا آمدیم و کسی خوانده، مانند طواف وداع که دیروز عرض کردم. اگر یک روایت آمد و گفت شما به نیت نافله خواندی ولی یک روایت گفت مجزی است، ما بگوییم خب این روایت خلاف قاعده است! عرض من اینجا است که اگر چنین روایتی پیدا شد آیا خلاف قاعده است؟ خلاف قاعده نیست. یعنی در مسأله «انما هی اربع مکان اربع» خیلی بحث کردیم که اختلاف ماهوی نماز ظهر و عصر به چیست. حضرت فرمودند «اربع مکان اربع». فرمایش امام معصوم است. تعبد است؟ خب امام فرمودند. اما اگر بخواهیم آن را به یک توجیه قاعده‌مند برگردانیم، اینجا بود که مفصل بحث کردیم تعبد ماهوی بین نمازها به چیست. هر کسی حوصله کرد آنها را ببیند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 10:35:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 10:37:33 توسط ... .